

نقش بانوان شیعی در تحولات اجتماعی و فرهنگی عصر امام رضا^{علیه السلام}*

اعظم رحمت آبادی^۱

زهره وظیفه^۲

چکیده

تحولات اجتماعی و فرهنگی عصر امام رضا^{علیه السلام} یکی از مقاطع مهم تاریخ تشیع است که بررسی نقش بانوان شیعی در آن می‌تواند ابعاد تازه‌ای از کنشگری زنان در جوامع اسلامی را آشکار سازد. هدف پژوهش، تبیین جایگاه و کارکرد بانوان شیعی در این دوره است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و به این پرسش پاسخ می‌دهد که زنان شیعه چگونه در تحولات اجتماعی و فرهنگی عصر امام رضا^{علیه السلام} تأثیرگذار بودند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد بانوان شیعی علی‌رغم فضای اختناق حکومت عباسی، با الهام از آموزه‌های تربیتی امام رضا^{علیه السلام} به کنشگرانی فعال و اثرگذار تبدیل شدند. آنان در تربیت نسل متعهد، انتقال میراث حدیثی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی و پایگاه‌های مردمی نقش کلیدی ایفا کرده و پیوندهای اجتماعی شیعیان را تقویت نمودند. حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه در دفاع از ولایت، بیانگر مشارکت آگاهانه و هدفمند ایشان بود. علاوه بر این، مهاجرت‌های برنامه‌ریزی‌شده و بنیان‌گذاری کانون‌های علمی-مذهبی، از جمله نقش‌آفرینی در تبدیل قم به یکی از مراکز اصلی تشیع، تأثیر چشمگیری بر جغرافیای فرهنگی و مذهبی آن عصر بر جای گذاشت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کنشگری بانوان شیعی فراتر از عرصه خصوصی بوده و در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی و فرهنگی عصر امام رضا^{علیه السلام} نقشی ماندگار و بنیادین ایفا کرده است. این مشارکت چندبعدی، علی‌رغم محدودیت‌های جامعه آن روز، تأثیری ژرف بر پویایی فرهنگی و تحولات اجتماعی گذاشت و ظرفیت بالای بانوان شیعه در تاریخ تشیع را آشکار ساخت.

کلیدواژگان: تشیع، عباسیان، امام رضا^{علیه السلام}، فاطمه معصومه^{علیه السلام}، مأمون عباسی، خراسان، قم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ / مقاله ترویجی

۱. استادیار مؤسسه علمی-تحقیقی مکتب نرجس^{علیه السلام} مشهد، ایران / Rahmatatabadyazam@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح سه مؤسسه علمی-تحقیقی مکتب نرجس^{علیه السلام} مشهد، ایران (نویسنده مسئول) / zohrevazife@gmail.com

مقدمه

دوره زندگی امام رضا (ع) (۲۰۳-۱۴۸۸ق) هم‌زمان با تحولات گسترده اجتماعی، فرهنگی و فکری در جهان اسلام است (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۴۸۳/۲-۴۷۹؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ۴۴۱/۳-۴۴۰). در این برهه حساس تاریخی، بانوان شیعه به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه اسلامی، نقشی مؤثر و تحول‌آفرین در جریان‌های اجتماعی و فرهنگی ایفا کردند. هرچند منابع تاریخی این دوره عمدتاً به رویدادهای سیاسی و شخصیت‌های مردانه پرداخته‌اند، اما شواهد پراکنده نشان می‌دهد زنان، به‌ویژه در میان خاندان اهل بیت (ع) و پیروان شیعه، در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی حضوری فعال و اثرگذار داشته‌اند.

این مقطع تاریخی، مصادف با تثبیت قدرت عباسیان در عصر هارون‌الرشید، نزاع میان امین و مأمون و ولایتعهدی امام رضا (ع) بود (بیضاوی، ۱۳۸۲، ۷۴؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۸ق، ۳۴۳). چنین شرایطی، بستری پیچیده اما پویا برای بروز کنشگری‌های اجتماعی زنان فراهم ساخت. با وجود اهمیت موضوع، بررسی‌های جامع و نظام‌مند درباره نقش بانوان شیعه در شکل‌دهی تحولات اجتماعی و فرهنگی این دوره کمتر صورت گرفته است. هدف پژوهش حاضر صرفاً بازنمایی حضور زنان در عرصه‌های مختلف نیست، بلکه تحلیل علمی و مستند از نقش تحول‌آفرین آنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی با تکیه بر تعالیم امام رضا (ع) است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع تاریخی، روایی و رجالی و روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد تصویری مستند و واقعی از جایگاه و نقش بانوان شیعه در این دوره ارائه داده و بخشی از خلأ موجود در پژوهش‌های تاریخی را پر کند. پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش اصلی است: مهم‌ترین عرصه‌های تحول‌آفرینی اجتماعی و فرهنگی بانوان شیعه در عصر امام رضا (ع) کدامند؟ فرضیه پژوهش آن است که بانوان شیعه با وجود محدودیت‌های اجتماعی، در زمینه‌هایی چون

تعلیم و تربیت دینی، انتقال میراث حدیثی و مشارکت در حیات فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی جامعه نقشی فعال و تأثیرگذار داشته‌اند.

در بررسی پیشینه پژوهش باید گفت که اغلب مطالعات پیشین بر جنبه‌های سیاسی زندگی امام رضا (ع) یا کلیات تاریخ اجتماعی دوران عباسیان متمرکز بوده‌اند. برای نمونه، مقاله «موضع امام رضا (ع) در قبال حرکت‌های سیاسی علویان در زمان عباسی» (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۲) جنبه‌های سیاسی این دوره را بررسی کرده است. همچنین پژوهش «نقش بانوان شیعه در عصر امام صادق (ع) در بسط جریان تشیع» (صالحی و اسدیگی، ۱۳۹۸) به بررسی فعالیت‌های زنان شیعه در دوره پیش از امام رضا (ع) پرداخته است. در حوزه زنان عباسی نیز آثاری مانند «کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی» (غلامی فیروزجانی و قاسمی، ۱۴۰۰) و «سنخ‌شناسی عملکرد سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی» (ولوی و کاردان، ۱۳۹۶) منتشر شده‌اند. با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً بر زنان درباری تمرکز داشته و به نقش زنان شیعه نپرداخته‌اند. همچنین مقاله «نقش سیاسی زنان در عصر عباسی» (روزگار، ۱۳۸۶) گرچه به برخی بانوان علوی همچون زینب دختر عبدالله محض اشاره دارد، اما تحلیل جامعی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی آنان ارائه نکرده و به سازوکارهای قدرت، شبکه‌های نفوذ و راهبردهای آنان نپرداخته است.

در میان زنان شاخص شیعه این دوره، زندگی بانوانی چون بانو نجمه خاتون و حضرت فاطمه معصومه (ع) در برخی منابع مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال پژوهش «حرکت تبلیغی حضرت معصومه (ع) از مدینه تا قم» (بخشیان، ۱۴۰۲) به آثار و برکات هجرت ایشان پرداخته و منابعی مانند «تاریخ قم» (قرن چهارم هجری) نیز از مهاجرت بانوان شیعه به قم و فعالیت‌های دینی و فرهنگی آنان گزارش داده‌اند. با وجود این،

تاکنون پژوهشی مستقل و جامعی به تحلیل نظام‌مند فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی بانوان شیعه در عصر امام رضا (ع) اختصاص نیافته است.

نوآوری این مطالعه در عبور از نگاه تک‌ساحتی به زنان و ارائه تصویری چندبُعدی و نظام‌مند از نقش‌آفرینی آنان است. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر دوره امام رضا (ع) در پی بازسازی بخشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی زنان شیعه است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند گامی در جهت تکمیل تاریخ اجتماعی تشیع بوده و الهام‌بخش پژوهش‌های آینده در حوزه مطالعات زنان و تاریخ فرهنگی اسلام باشد.

بانوان در عصر عباسی؛ از نفوذ در دربار تا نقش‌آفرینی اجتماعی در زمان امام رضا (ع)

دوران زندگی امام رضا (ع) هم‌زمان با خلافت هارون‌الرشید، محمد امین و مأمون عباسی بود؛ دوره‌ای که جهان اسلام بستر تحولات عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رفت (طبری، ۱۳۸۶، ۳۷۴/۸؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۴۹۴/۳). خلافت عباسی که در آغاز با شعار حمایت از اهل‌بیت (ع) و احیای عدالت اسلامی شکل گرفت، پس از استقرار قدرت، به تدریج از آرمان‌های اولیه خود فاصله گرفت و به سرکوب گسترده شیعیان روی آورد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲/۶۴۶؛ جعفریان، ۱۳۸۷، ۱۶۲).

در این میان، هارون‌الرشید با شدت تمام به مقابله با جریان تشیع پرداخت و امام موسی کاظم (ع) را به زندان افکند و سرانجام ایشان را به شهادت رساند (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، ۱۶/۱۰۶). در پی این سیاست‌های سخت‌گیرانه، فشار بر شیعیان در سراسر قلمرو عباسی افزایش یافت و اختناق سیاسی و مذهبی گسترش یافت (دینوری، ۱۳۷۳، ۴۶۷).

با به قدرت رسیدن مأمون عباسی، رویکرد سیاسی عباسیان در قبال اهل‌بیت (ع) تغییر ظاهری یافت. مأمون که با بحران مشروعیت سیاسی و اختلافات داخلی به‌ویژه پس از

جنگ با برادرش امین روبه‌رو بود، برای تثبیت موقعیت خویش، سیاستی پیچیده در پیش گرفت. او با هدف کسب مشروعیت دینی و در عین حال کنترل امام شیعیان، ایشان را از مدینه به اجبار به خراسان فراخواند و منصب ولایتعهدی را به پیشنهاد کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۴۴۱/۲؛ اسکافی، ۱۴۲۲ق، ۷۹).

امام رضا علیه السلام این پیشنهاد را با شروطی خاص و به‌صورت ظاهری پذیرفتند و از فرصت پیش آمده برای تبیین مبانی فکری و معارف اصیل اسلامی بهره بردند (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ۳۲۴؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۹۹/۱۳). ایشان با حضور علمی و اجتماعی خود در خراسان، نه تنها نادرستی حکومت عباسی و اهداف سیاسی مأمون را آشکار ساختند، بلکه با مناظرات، گفتگوها و تربیت شاگردان، نقش مهمی در گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام ایفا کردند.

حضور امام علیه السلام در خراسان نقطه عطفی در تاریخ تشیع به‌شمار می‌رود؛ چراکه این رویداد زمینه‌ساز گسترش آموزه‌های شیعی در ایران و آشنایی عمیق‌تر مردم با اسلام ناب محمدی شد (جعفریان، ۱۳۸۱، ۶۱۰؛ ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۳۶۷/۷). تأثیرات فرهنگی و فکری این حضور تا قرون بعد نیز تداوم یافت و خراسان را به یکی از کانون‌های مهم نشر اندیشه شیعی در جهان اسلام بدل ساخت.

از دوران مهدی عباسی، پدر هارون، بانوان درباری جایگاهی برجسته در ساختار خلافت یافتند؛ به گونه‌ای که برخی از آنان هم‌پایه خلفا در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی عمل می‌کردند. همسران و کنیزان خلفا با نفوذ بر فرزندان خویش، در تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی نقش آفرین بودند (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ۲۹۵). این نفوذ به تدریج در نظام عزل و نصب‌ها، سیاست‌گذاری‌های حکومتی و تحولات اجتماعی انعکاس یافت. در میان چهره‌های شاخص این گروه، خیزران - مادر هارون الرشید - جایگاهی ویژه داشت. وی با تأثیرگذاری بر همسرش مهدی عباسی، توانست جانشینی را به سود پسران خود

تغییر دهد (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، ۶۶/۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۷/۸) این رخداد جلوه‌ای از قدرت پنهان زنان در نظام سیاسی عباسی است؛ قدرتی که از طریق شبکه‌های خانوادگی، مالی و درباری اعمال می‌شد (غلامی فیروزجانی و قاسمی، ۱۴۰۰، ۸۴). مسعودی در توصیف نفوذ او می‌نویسد: «هادی بسیار مطیع مادرش خیزران بود و خواسته‌های او را دربارهٔ نیازهای مردم برمی‌آورد، به گونه‌ای که هرگز صفی از در خانهٔ او قطع نمی‌شد» (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۷/۳).

زیبیده، همسر هارون الرشید نیز از بانوان اثرگذار این دوره بوده است. منابع تاریخی از تلاش‌های او برای تثبیت خلافت فرزندش امین گزارش‌های فراوانی ارائه کرده‌اند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق، ۲۹۶/۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۴۷۰/۱۴).

همچنین بوران، همسر مأمون و دختر سهل بن حسن، در امور حکومتی نقش داشت و حتی از خلیفه خواست تا ابراهیم بن مهدی را مورد عفو قرار دهد (طبری، ۱۳۸۷، ۶۰۷/۸؛ زرکلی، ۱۹۸۹م، ۷۲/۲).

فراتر از ساختار دربار، زنان غیر درباری نیز در تحولات اجتماعی و سیاسی فعال بودند. در زمان خلافت امین، برخی زنان در شبکه‌های اطلاعاتی و جاسوسی مشارکت داشتند. ابن‌اثیر گزارش می‌دهد که جاسوسان نامه‌ها را به زنان می‌سپردند تا آن‌ها را در چوب‌های توخالی پنهان کرده و میان روستاها جابه‌جا کنند (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۸۵، ۱۷۲/۱۶). این گزارش نشان می‌دهد که زنان عادی نیز با ابتکار و هوشمندی در عرصه‌های پنهان سیاست و انتقال اطلاعات مؤثر بودند.

از سوی دیگر، برخی منابع از مشارکت زنان در جنبش‌های اعتراضی و شورش‌های مردمی یاد کرده‌اند. روایت ابوالصلت هروی از شورش علیه مأمون و نقش زنی به نام سمانه نمونه‌ای شاخص از این حضور است (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ۱۷۲/۲). این روایت بیانگر

آن است که زنان نه تنها در سطوح پنهان سیاست، بلکه در صحنه‌های علنی اعتراض نیز نقش رهبری می‌یافتند.

در کنار این تحولات، بانوان فرهیخته‌ای چون حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و بانوان بیت امام رضا علیه السلام با ایفای نقش در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی، نمونه‌ای از کنشگری دینی زنان در برابر ساخت قدرت رسمی عباسی را ارائه کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۷/۲۱۹؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۷/۱۲۵)؛ نقشی که ضمن حفظ هویت شیعی، در گسترش آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام تأثیری ماندگار برجای گذاشت.

از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، جایگاه زنان در دوره عباسی بازتابی از ساختار قدرت و شکاف‌های اجتماعی آن زمان بود. زنان دربار عباسی با تکیه بر پیوندهای خانوادگی و نفوذ نامحسوس، به نوعی «قدرت نرم» دست یافتند که در بسیاری موارد به اندازه قدرت رسمی خلفا تأثیرگذار بود. این نفوذ، هرچند در چارچوب محدودیت‌های سنتی دربار شکل گرفت، اما عملاً مسیر تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و اقتصادی را متأثر ساخت. در مقابل، زنان غیر درباری نیز توانستند در فضای پرتنش و امنیتی آن عصر نقش آفرینی کنند. مشارکت آنان در انتقال اخبار محرمانه یا رهبری جنبش‌های مردمی، نشان‌دهنده «عاملیت اجتماعی» زنان در برابر ساختارهای قدرت بود. این کنش‌ها را می‌توان مصداق «مقاومت روزمره» دانست؛ یعنی استفاده از ابزارهای غیررسمی برای حضور در سیاست.

ویژگی مهم این دوره آن است که زنان شیعی - به‌ویژه وابستگان امام رضا علیه السلام - با بهره‌گیری از سرمایه‌های مذهبی و فرهنگی، نقش خود را فراتر از عرصه سیاسی به حوزه‌های تربیتی و اعتقادی گسترش دادند.

بررسی جایگاه بانوان شیعی در این عصر نشان می‌دهد که زنان، تنها بازیگرانی منفعل نبودند بلکه در بازتولید قدرت، انتقال دانش و هدایت جنبش‌های اجتماعی سهمی قابل

توجه داشتند؛ سهمی که در نگاه کلان، بخشی از روند شکل‌گیری فرهنگ و سیاست اسلامی در قرون میانه به شمار می‌رود. چنین حضوری سبب شد هویت شیعی در بافت اجتماعی جامعه اسلامی عمیق‌تر شده و یکی از راه‌های انتقال آموزه‌های شیعی به نسل‌های بعدی گردد.

توجه امام علیه السلام به حقوق زمینه‌ساز مشارکت اجتماعی بانوان

پایندی به حقوق افراد و احترام گذاشتن به آن‌ها، پیش‌شرطی ضروری برای توسعه و تعمیق کنشگری اجتماعی است. اسلام در مقایسه با دیگر ادیان، به زن توجه ویژه‌ای داشته و برای او حق مالکیت، استقلال اقتصادی و حضور اجتماعی - سیاسی قائل شده است. این نگرش، حقوق انسانی و مدنی زنان را برجسته کرد تا آنان بتوانند استعدادهای خویش را در مسیر اهداف متعالی اسلام بروز دهند (سامانی، ۱۳۹۰، ۱۲). اکنون می‌توان با استناد به روایات امام رضا علیه السلام، بخشی از حقوق زنان در عرصه خانواده و جامعه اسلامی را شناسایی و تحلیل کرد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الْأُنْثَى لِأَنَّ الْأُنْثَى فِي عِيَالِ الذَّكَرِ إِنْ احْتَاَجَتْ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُعَوَّلَهَا وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا وَ لَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَعُولَ الرَّجُلَ وَ لَا تُؤْخَذَ بِنَفَقَتِهِ إِنْ احْتَاَجَ»؛ زن، عیال مرد و نفقه‌خوار اوست. اگر زن نیاز پیدا کند بر مرد است که تأمینش کند و نفقه وی بر مرد است. اما بر زن واجب نیست مخارج شوهر را بپردازد و در موقع نیاز به او کمک کند (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲ / ۵۷۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ۵ / ۱۰۸).

این حدیث جایگاه زن در خانواده را با عبارت «الْأُنْثَى فِي عِيَالِ الذَّكَرِ» بیان کرده‌است. در روایت این نکته مشهود است که زن تحت حمایت مالی مرد قرار دارد. این نگرش صرفاً حکم فقهی نیست، بلکه فلسفه‌ای عمیق در تقسیم مسئولیت‌های

خانوادگی است. تأمین معاش خانواده تکلیفی شرعی و اخلاقی برای مرد است حتی اگر زن از استقلال مالی برخوردار باشد.

امام علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «إِذَا خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينَهُ وَ خُلُقُهُ فَرَّوْجُهُ وَ لَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَ فَاقَتُهُ»؛ وقتی از دین و اخلاق خواستگار راضی بودید به ازدواج با او راضی باشید و به خاطر فقیر بودنش او را رد نکنید (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۴/۱۸۸). امام رضا علیه السلام در این حدیث با خطاب قرار دادن زنان، نقش رفیع زن در انتخاب همسر را ترسیم می‌کند. خطاب مستقیم ایشان به زن با عبارت «إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ» نشان می‌دهد زن شخصیتی مستقل داشته و از حق انتخاب برخوردار است.

در رفتار عملی نیز امام رضا علیه السلام همسران و زنان همراه خود را مورد محبت و تکریم ویژه قرار می‌دادند. چنان که در لحظه میلاد حضرت جواد علیه السلام، خطاب به همسران فرمودند: «قَدْ سَتِ أُمٌّ وَلَدَتْهُ، قَدْ خُلِقَتْ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً»؛ پاک و مقدس باد مادری که او را به دنیا آورد! همانا که [او] پاک و پاکیزه آفریده شده است (بحرانی اصفهانی، بی‌تا، ۲۲/۱۵۴).

این بیان، نشانگر طهارت فطری زن، تقدیر از نقش بی‌بدیل مادری و الگوسازی برای مردان در برخورد با همسران از نظر امام علیه السلام بود.

امام رضا علیه السلام همچنین بر پرداخت حقوق مالی و استقلال مالی زنان توجه داشته و بر وجوب مهریه و نفقه تأکید داشته‌اند. ایشان در حدیثی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلَّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ جَحَدَ مَهْرًا»؛ خداوند متعال بخشاینده هر گناهی است مگر گناه آن که مهریه را انکار کند (فقه منسوب به امام هشتم، ۱۴۰۶ق، ۶).

این حدیث نشان می‌دهد که انکار مهریه که نمادی از تعهدات مالی در قبال زنان است، گناهی بزرگ محسوب شده و بخشش الهی شامل آن نمی‌شود. این امر اهمیت

حمایت از حقوق اقتصادی زنان در نظام خانواده و لزوم پابندی به تعهدات مالی نسبت به آنان را از دیدگاه ایشان به وضوح نشان می‌دهد.

علاوه بر حقوق مالی، اهتمام امام بر تعلیم و تربیت زنان و دین‌آموزی به آنان نیز قابل توجه است. به نظر می‌رسد زنانی که با خاندان اهل بیت معاشرت داشتند آموزش‌های ویژه در زمینه‌های عبادی و دینی می‌دیدند. شیخ صدوق روایت می‌کند که جدّه صولی، کنیزی به نام غدر، پس از خریداری به مأمون رسید، سپس به امام رضا علیه السلام بخشیده شد. او می‌گوید: در خانه مأمون از نعمت‌ها برخوردار بودیم، اما در خانه امام، زیر نظر زنی به عبادت و نماز واداشته می‌شدیم. گرچه ابتدا این امر بر ما دشوار بود، سرانجام به آن علاقه‌مند شدیم و آن‌ها را به صورت شایسته آموختیم طوری که که موجب تعالی روحی‌مان شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۴۲۱/۲؛ عطاردی قوچانی، ۱۳۹۷، ۵۵).

این دست روایات گویای توجه امام علیه السلام به تربیت عبادی و دینی زنان و کنیزان خاندان اهل بیت علیهم السلام است.

فعالیت‌های اجتماعی بانوان شیعه در عصر امام رضا علیه السلام

با توجه به فضای اختناق‌آمیز حاکم بر جامعه عباسی نسبت به شیعیان، شناسایی زنان شیعه و علویه در منابع تاریخی با دشواری همراه است. با این حال، فرصت ولایتعهدی امام رضا علیه السلام زمینه‌ای فراهم آورد تا فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان شیعه به شکلی علنی‌تر در جامعه بروز یابد. این تحول موجب شد نام و نشان گروهی از زنان، به دلیل نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان، در تاریخ ثبت شود.

بررسی دقیق نقش‌هایی که این زنان در آن‌ها ایفای مسئولیت کرده‌اند، نه تنها بیانگر تأیید و حمایت اهل بیت علیهم السلام از حضور اجتماعی آنان است، بلکه نشان می‌دهد حتی در

شرایط سخت و سرکوبگر، زنان توانسته‌اند با درایت و شجاعت، نقش‌آفرینی مؤثری در تحولات اجتماعی و مذهبی داشته باشند.

در ادامه، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بانوان شیعه در عصر امام رضا (ع) بررسی می‌شود.

۱. مقاومت اجتماعی بانوان شیعه؛ راهبردی برای بقای تشیع در عصر عباسی

در فضای خفقان‌آلود حکومت عباسی و در دوره‌ای که رهبران شیعه، از امام کاظم (ع) تا امام رضا (ع)، تحت شدیدترین فشارهای سیاسی، زندان و تبعید قرار داشتند (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، ۱۶/۱۰۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۴۴۱/۲؛ اسکافی، ۱۴۲۲، ۷۹)، بانوان شیعی به‌عنوان ستون‌های استوار مقاومت، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کردند. در صحنه‌ای کلیدی از بستر قیام علویان در عصر مأمون، محمد بن ابراهیم طباطبا با پیرزنی روبه‌رو می‌شود که برای تأمین غذای دخترانش، دانه‌های ریخته‌شده خرما را از زمین جمع می‌کند (اصفهانی، ۱۳۳۹ق، ۲۷۴/۲). این مواجهه، نماد مقاومت معیشتی و هستی‌باورانه زنان در برابر نظام ظالمانه عباسی است. کنش ساده اما سرسختانه این زن در تلاش برای بقای خانواده، شکلی از مقاومت را ترسیم می‌کند که بی‌عدالتی ساختاری حکومت را عریان می‌سازد. محمد بن ابراهیم با درک این پیوند، فریاد می‌زند که «تو و امثال مرا به قیام وامی‌داری» (اصفهانی، ۱۳۳۹ق، ۲۷۴/۲).

در بررسی جایگاه بانوان شیعی در تحولات اجتماعی دوران امام رضا (ع)، روایت تاریخی مربوط به اسارت خواهر حسین بن علی (معروف به شهید فخر)، نمونه‌ای گویا از استمرار نقش فرهنگی و سیاسی زنان علوی است (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، ۳۵). اگرچه این واقعه در ظاهر ناظر به اسارت یک زن در پی سرکوب قیام‌های علویان است، اما از دیدگاه

جامعه‌شناسی تاریخی، می‌توان آن را تجلی نوعی مقاومت فرهنگی دانست؛ مقاومتی که در متن سخت‌ترین شرایط سیاسی و اجتماعی تداوم یافت.

نقش مقاومتی بانوان شیعی آن دوره، فراتر از مسئولیت‌های سنتی خانوادگی بوده و به یک کنش آگاهانه برای حفظ و تداوم هویت تشیع تبدیل شده بود. آنان در شرایطی که مردان به دلیل تقیه، زندان یا شهادت، امکان حضور علنی در عرصه اجتماعی را از دست می‌دادند (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۵/۱۴)، بار اصلی "نگهبانی از نسل آینده شیعه" را بر دوش کشیدند. نمونه اعلای این الگو، نجمه خاتون، مادر امام رضا (ع) است که شخصیت وی با اوصافی چون «خیر أهل الأرض» و «طاهرة» در منابع حدیثی معرفی شده است (اربلی، ۱۳۸۱، ۳۱۱/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ۳۱۳). این جایگاه رفیع، تنها بیانگر فضایل فردی نیست، بلکه نشان‌دهنده نقش محوری او در پرورش و تربیت امام آینده در سخت‌ترین شرایط سیاسی است. همتای این نقش را حمیده خاتون، همسر امام صادق (ع)، با هوشمندی و بصیرت کامل در انتخاب همسری شایسته (نجمه) برای فرزندش امام کاظم (ع) ایفا کرد (اربلی، ۱۳۸۱، ۳۱۱/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ۳۱۳). این انتخاب آگاهانه، نمونه‌ای درخشان از مدیریت خانواده به مثابه عرصه‌ای برای پاسداری از استمرار امامت است.

علاوه بر نقش تربیتی، مادران شیعه پناهگاه‌های امن و ستون‌های استواری بودند که در بحرانی‌ترین حوادث، وظیفه حفظ نسل علوی را بر دوش می‌کشیدند. در دوره‌ای که نسل‌کشی سادات به سیاست رسمی عباسیان بدل شده بود، این بانوان بار اصلی «حفظ و بقای تشیع» را بر عهده داشتند.

شیخ صدوق روایت می‌کند که جوان سیدی را در دیواری زنده به گور کردند و معمار بایمانی وی را نجات داد. آن جوان پیش از فرار به منطقه‌ای ناشناس، تکه‌ای از موی خود را به عنوان نشانه به نجات‌دهنده داد و نشانی مادرش را به او سپرد. راوی می‌گوید:



«پس رفتم نزد مادر او... خبر فرزندش را به او گفتم و موی او را دادم و برگشتم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۴۷۱/۲). این روایت، تصویری گویا از شبکه امداد و پنهان سازی غیررسمی است که مادران، در قلب آن ایستاده بودند.

همچنین بانوانی چون زینب دختر موسی بن جعفر علیه السلام با تربیت فرزند مجاهدی مانند محمد بن عبدالله افطس (اصفهانی، ۱۳۳۹، ۳۵۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۴۲۳/۲؛ دیلمی، بی تا، ۲۰۳/۲) که علیه هارون الرشید قیام کرد، نشان دادند که مقاومت فرهنگی لزوماً با سکوت همراه نیست، بلکه می تواند نسل هایی مبارز و آگاه پرورش دهد که در صحنه سیاسی نیز حاضر به فداکاری اند.

از دیگر بانوانی که در این زمینه زبانزد هستند می توان به ام احمد همسر امام کاظم علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۸/ ۳۰۶) و حبابه والیه از راویان مورد اعتماد (محلّاتی، بی تا، ۱۳۷/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۵۲/۲) و مادر بزرگ علی بن میثم (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۲۰/۱) اشاره کرد.

۲. نقل و حفظ روایات اهل بیت علیهم السلام

تعدادی از بانوان به عنوان زن راوی و صحابی حدیث از امام رضا علیه السلام نقل حدیث کرده اند که از جمله ایشان، حکیمه دختر امام هفتم (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۵۶/۱۶) است. همچنین فاطمه دختر امام رضا علیه السلام (امین، ۱۴۰۳ق، ۳۹۰/۸)، کلثوم بنت سلیم (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۳۳۹/۱۲) از این راویان هستند.

کلثوم بنت سلیم، از زنان محدثه و معاصر امام رضا علیه السلام بوده و از آن حضرت کتابی را روایت کرده و محمد بن اسماعیل بن بزیع از او روایت نموده است. نجاشی در «رجال» خود به این نکته تصریح می کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۱۹؛ حسون، ۱۴۲۱ق، ۸۶۳). از این رو می توان گفت دانش او محدود به روایت یک یا دو حدیث نبود، بلکه مجموعه ای منسجم از احادیث را از امام علیه السلام دریافت و نقل کرده و نشان می دهد که امام رضا علیه السلام

محدودیت جنسیتی در انتقال علوم دینی قائل نبوده و بانوان نیز می‌توانستند در این عرصه نقش‌آفرینی کنند.

۳. استفاده از ظرفیت خانواده جهت نقل حدیث

علاوه بر بانوان راوی که در کتاب‌های رجال نامشان ذکر شده، با دقت در منابع دینی، زنان دیگری نیز یافت می‌شوند که هرچند نامشان در تاریخ چندان ثبت نشده، اما با حفظ و نقل احادیث، نقشی کلیدی در انتقال میراث اهل بیت علیهم‌السلام ایفا کرده‌اند. یکی از این چهره‌ها مادر بزرگ علی بن میثم است که در روایتی از نجمه خاتون، مادر امام رضا علیه‌السلام، به عنوان حلقه‌ای از زنجیره نقل حدیث ظاهر می‌شود.

علی بن میثم از پدرش روایت کرده است: «از مادرم شنیدم که می‌گفت: از نجمه، مادر حضرت رضا علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: چون من حامله شدم به پسر علی، سنگینی حمل خود را حس نمی‌کردم و در خواب صدای تسبیح و تهلیل از شکم خود می‌شنیدم. پس چون بیدار می‌شدم چیزی نمی‌شنیدم تا زمان وضع حمل فرارسید» (بروجردی، ۱۳۸۶، ۷۴۴/۲۱). این روایت که از طریق سلسله‌ای از زنان (نجمه خاتون ← مادر علی بن میثم ← خود علی بن میثم) نقل شده، نشان می‌دهد زنان به عنوان واسطه‌های معتبر در حفظ و انتقال حدیث حضور داشته‌اند.

نکته مهم دیگر، بُعد خانوادگی این انتقال است: مادر حدیث را به فرزند منتقل می‌کند و او آن را مکتوب یا شفاهی به نسل بعد می‌رساند. این روند، اعتماد به زنان در نقل روایت و نقش نهاد خانواده در پاسداری از معارف اهل بیت علیهم‌السلام را نشان می‌دهد. هرچند مادر علی بن میثم در تاریخ پررنگ دیده نمی‌شود، اما به عنوان حلقه‌ای نامرئی، سهمی واقعی در میراث شیعه دارد.



این الگو به دیگر بانوان نیز تعمیم می‌یابد. غدر، کنیز آزادشده و تربیت‌یافته امام رضا علیه السلام، جدّه محمد بن یحیی صولی محدث است که از قول او حالات امام رضا علیه السلام را چنین توصیف می‌کرد: «می‌دیدم که خود را با عود هندی بخور می‌داد، سپس گلاب و مُشک استعمال می‌کرد، در وقت صبح نماز می‌گزارد و پس از آن به سجده می‌پرداخت...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۲ / ۴۲۱).

غدر پس از آزادی، به عنوان مادر و جدّه یک خاندان حدیث‌شناس، سنت نقل را در نسل‌های بعدی تثبیت کرد.

بدین سان بانوان شیعه با بهره‌گیری از ظرفیت خانواده، به حلقه‌های اتصال نسلی در نقل معارف دینی بدل شدند. روایت مادر علی بن میثم و تجربه غدر نشان می‌دهد که زنان نه در حاشیه، بلکه در متن تاریخ حدیث شیعه حضور داشته‌اند.

۴. نقش بانوان شیعه در ایجاد پایگاه‌های مردمی عصر امام رضا علیه السلام

در دوران امامت امام رضا علیه السلام، زنان شیعه با ایفای نقش‌های محوری در حمایت از اهل بیت علیهم السلام و ترویج معارف ایشان، سهمی چشمگیر در شکل‌دهی افکار عمومی، انتقال ارزش‌ها و ایجاد ارتباطات اجتماعی و مذهبی ایفا کردند. نمود برجسته‌تر این نقش‌آفرینی در قالب مهمان‌نوازی و سازمان‌دهی پایگاه‌های مردمی ظهور یافت و به گسترش معارف رضوی و تقویت پیوندهای مردمی با امام علیهم السلام انجامید.

یکی از نمونه‌های تاریخی این نقش، روایت ابو واسع محمد بن احمد بن محمد بن اسحاق نیشابوری است که از جدّه‌اش، خدیجه بنت حمدان ابن پسند نقل می‌کند: «چون حضرت رضا علیه السلام داخل نیشابور شد، در محله غر فرود آمد و در محله‌ای که معروف به لاشاباذ است، در خانه جدّ من، پسند، وارد شد... در گوشه‌ای از خانه بادمی

کاشت و آن بادام درختی شد که در همان سال بار آورد... مردم از بادام آن استشفای می‌کردند...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۲/ ۳۷۲).

راوی این روایت، خدیجه بنت حمدان، از زنان محدثه شیعی است که این واقعه را سلسله‌وار نقل کرده است. این امر نشان‌دهنده نقش زنان در حفظ و انتقال میراث حدیثی، به‌ویژه در حوزه کرامات اهل بیت علیهم‌السلام است. در واقع خانه شخصی این بانوی شیعه، به‌واسطه حضور امام رضا علیه‌السلام، به مرکزی برای نشر کرامات و گفتمان امامت تبدیل شد؛ نقشی که در شهرهایی چون نیشابور با جایگاه ارتباطی ویژه میان شیعیان و امامان اهمیت مضاعف داشت.

نمونه‌ای دیگر از این نقش‌آفرینی در مدینه دیده می‌شود. آن گاه که منزل ام احمد، همسر امام کاظم علیه‌السلام، پایگاهی برای تجمع شیعیان و دفاع از ولایت می‌گردد. علامه مجلسی گزارش می‌کند: «وقتی خبر شهادت امام کاظم علیه‌السلام در مدینه منتشر شد، مردم در خانه ام احمد اجتماع کردند و با فرزندش احمد به‌سوی مسجد روانه شدند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۸/ ۳۰۸).

این گزارش، بیانگر نقش زنان در سازماندهی اجتماعی شیعیان و تبدیل فضای خانگی به بستری برای کنشگری مذهبی و سیاسی است. در واقع ام احمد با فراهم‌سازی زمینه تجمع و هدایت مردم، نقش فعالی در مدیریت واکنش اجتماعی شیعیان نسبت به شهادت امام علیه‌السلام ایفا کرد.

نمونه دیگر حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام است که هرچند در مسیر سفر به خراسان و پیش از دیدار با امام رضا علیه‌السلام در قم رحلت کرد، اما مرقد ایشان به‌سرعت به کانون تجمع شیعیان بدل شد. این مکان، در تثبیت قم به‌عنوان مرکز تشیع، نقشی بنیادین ایفا کرد و به نقطه‌ای برای شکل‌گیری پایگاه‌های مردمی و علمی شیعه تبدیل شد.



نکته مهم آن که این فعالیت‌ها صرفاً به صورت فردی انجام نمی‌شد، بلکه در چارچوب شبکه‌های منسجم بانوان شیعه شکل می‌گرفت. این امر نشان‌دهنده وجود نوعی تشکل‌های زنانه در جامعه شیعی آن دوران است که در گسترش پایگاه‌های مردمی برای اهل بیت علیهم‌السلام نقشی تعیین‌کننده داشتند. این شبکه‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خانگی، حدیثی، اجتماعی و عاطفی توانستند بستر مناسبی برای ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام و تقویت پیوندهای مردمی با امامان علیهم‌السلام فراهم سازند.

مزار حضرت معصومه علیها السلام، در آغاز فاقد قبه و بارگاه بوده و تنها با بوریایی بر آن سایه‌بان افکنده بودند. در «تاریخ قم» آمده است: «... چون او را وفات رسید، بعد از تغسیل و تکفین و نماز، موسی بن خزرج در زمینی که او را بود ببابلان، آنجا که امروز روضه مقدسه اوست دفن کرد و بر سر تربت او از بوریاها سایه ساخته بودند تا آنگاه که زینب دختر محمد بن علی الرضا علیه السلام این قبه بر سر تربت او بنا نهاد» (قمی، ۱۳۸۵، ۷/۱۲۵).

ابتکار زینب علیها السلام در این زمینه نشان می‌دهد که بانوان علوی از استقلال مالی، قدرت تصمیم‌گیری و نفوذ اجتماعی برخوردار بوده‌اند. تصمیم او برای احداث گنبد و تبدیل آن مکان به «روضه مقدسه» نشانگر مرجعیت اجتماعی و مقبولیت وی در میان مردم بوده است؛ زیرا چنین اقدامی تنها در صورتی پذیرفته می‌شد که جایگاه او به رسمیت شناخته شده باشد.

با ساخت این بنا، مزار حضرت معصومه علیها السلام رسماً به حرم و زیارتگاه تبدیل شد. این تحول، نقطه عطفی در شکل‌گیری جغرافیای شیعه در قم به شمار می‌آید.

۵. نقش بانوان شیعه در امانتداری و حفاظت از امامان معصوم علیهم السلام

در بستر پیچیده و پرتنش زندگی امام رضا علیه السلام چه زمانی که پدرشان در قید حیات و زندانی بودند و چه پس از آن، نقش بانوان شیعه در حفاظت از امامان معصوم علیهم السلام، فراتر از فعالیت‌های مرسوم اجتماعی و خانوادگی جلوه گر شده است.

بررسی منابع رجالی و تاریخی نشان می‌دهد که برخی بانوان، حتی در دل خاندان‌های وابسته به حکومت، با تکیه بر استقلال فکری، بینش دینی و شجاعت اخلاقی، مسئولیت خطیر پاسداری از امام علیه السلام را بر عهده گرفتند.

یکی از نمونه‌های شاخص این نقش‌آفرینی، خواهر سندی بن شاهک، زندانبان امام کاظم علیه السلام، است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲/ ۵۶۵؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۱۴/ ۱۸۵). بنابر گزارش ابن اثیر و بحرانی اصفهانی، این بانو در واکنش به رفتار ظالمانه با امام، جمله‌ای تاریخی بر زبان آورد: «خاب قوم تعرضوا لهذا الرجل»؛ وای بر قومی که این مرد پرهیزکار را آزار داده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۰۶/۱۶؛ ابن مسکویه، ۱۴۲۴ق، ۳/ ۲۲۷).

این جمله، فراتر از یک واکنش عاطفی، نشان‌دهنده درک عمیق و ایمان قلبی او به مقام امام است. چنین موضع‌گیری روشنگرانه‌ای در محیطی که تحت سلطه و فشار حکومت عباسی بود، بیانگر شجاعت و بصیرت دینی این زن در دفاع از حقیقت و مظلومیت امام معصوم است.

البته الگوی حفاظت از امام در شخصیت بانوان دیگری چون حکیمه خاتون نیز تبلور یافته است. حکیمه خاتون، دختر امام محمد تقی علیه السلام، در یکی از حساس‌ترین مأموریت‌های امامت، یعنی حفاظت از امام آینده در آستانه تولد، به‌عنوان امین امام رضا علیه السلام انتخاب شد. این انتخاب، خود گواهی بر جایگاه رفیع وی نزد اهل‌بیت علیهم السلام و اعتماد کامل ایشان به توانمندی‌های فکری و ایمانی اوست.



حضور حکیمه خاتون در فرآیند تولد امام جواد علیه السلام و مراقبت از ایشان، نمونه‌ای بی‌نظیر از امانتداری عملی در تاریخ تشیع به‌شمار می‌رود. او در بحرانی‌ترین شرایط، از مرحله جنینی تا ظهور امام، نقش حافظ و نگهبان را ایفا کرد. افزون بر این، حکیمه خاتون با نقل شجاعانه معجزه تولد و سخن گفتن نوزاد در روز سوم، به رسانه‌ای زنده برای اثبات امامت امام جواد علیه السلام تبدیل شد و صدای حقیقت برای امت گردید (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۴/ ۳۹۴؛ بحرانی، بی‌تا، ۵۲۸/۴؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۴۳۸).

۶. کنشگری بانوان شیعه و حضور در مجامع رسمی

در دوران امامت امام رضا علیه السلام، با وجود فضای خفقان‌آلود و محدودیت‌های سیاسی گسترده از سوی حکومت عباسی (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۵۱۸/۲)، زنان شیعه با درایت، شجاعت و تعهدی مثال‌زدنی، نقش مؤثری در تثبیت و ترویج ولایت اهل بیت علیه السلام ایفا کردند. حضور فعال آنان در محاکم رسمی و مجامع عمومی، نشان‌دهنده وفاداری عمیق به امامت و مشارکت آگاهانه در دفاع از حقوق اهل بیت علیه السلام بود.

یکی از نمونه‌های برجسته این نقش‌آفرینی، ماجرای ام‌احمد، همسر امام کاظم علیه السلام، پس از شهادت آن حضرت است. در روایتی تاریخی آمده است که پس از شهادت امام، فرزندش عباس ادعا کرد که در وصیت‌نامه مطالبی به نفع او وجود دارد و برادرش قصد دارد آن را پنهان کند. در پی این ادعا، ام‌احمد در مجلس قاضی حاضر شد اما برخی حاضران هویت او را انکار کردند و برای شناسایی، نقاب از چهره‌اش برداشتند. در این لحظه، ام‌احمد با استناد به پیش‌بینی امام کاظم علیه السلام گفت:

«به خدا قسم، آقام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: تو را به زور می‌گیرند و به مجالس می‌برند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/ ۹۳).

این روایت، نه تنها بیانگر جایگاه ممتاز زنان در حفظ وصایای امامت است، بلکه گواهی بر حضور آنان در عرصه‌های حقوقی و اجتماعی برای دفاع از حقیقت و مقابله با تحریف است. ام‌احمد با حضور در محکمه، از جایگاه خود به عنوان شاهد و حافظ وصیت امام علیه السلام بهره برد و با شجاعت، در برابر انکار و تردید ایستادگی کرد. نمونه‌ای دیگر از کنشگری زنان در فضای اجتماعی-سیاسی آن عصر، در جریان قیام حسین بن علی حسنی معروف به «صاحب فخ»، مشاهده می‌شود. وی از سادات علوی بود که در اعتراض به ظلم عباسیان قیام کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۶). در یکی از خطبه‌های او در مسجد اعظم مدینه، هنگامی که یکی از حاضران با تردید و تمسخر به سخنانش واکنش نشان داد، بانویی از زنان مدینه با شجاعت به او پاسخ داد و گفت: «خاموش! وای بر تو! نسبت به فرزند رسول خدا چنین می‌گویی؟» (اصفهانی، ۱۳۳۹ق، ۱۷۳/۲).

این واکنش سریع و آگاهانه، نشان‌دهنده حضور مؤثر زنان در مجامع عمومی و حساس‌ترین موقعیت‌های سیاسی است. مشارکت این بانو در فضایی چون مسجد اعظم مدینه، آن هم در بحبوحه یک قیام علوی، گواهی روشن بر مسئولیت‌پذیری زنان شیعه در دفاع از ارزش‌های دینی و حمایت از جریان امامت است.

در مجموع این شواهد تاریخی نشان می‌دهد که زنان شیعه در عصر امام رضا علیه السلام، نه تنها ناظرانی منفعل نبودند، بلکه به مثابه کنشگرانی فعال در صحنه‌های اجتماعی، حقوقی و سیاسی حضور داشته و نقش مؤثری در حفظ و ترویج آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام ایفا کردند. این حضور، برخاسته از بصیرت دینی، تعهد اجتماعی و آگاهی سیاسی آنان بود که در بزنگاه‌های تاریخی به روشنی تجلی یافت.

۷. نقش بانوان در انتقال و تثبیت گفتمان ولایت در سنت حدیثی

شیعه

در دوران امام رضا علیه السلام و با وجود فشارهای سیاسی حکومت عباسی (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۵۱۸/۲)، بانوان نقش مهمی در ترویج و تثبیت گفتمان ولایت ایفا کردند. آنان با نقل احادیث غدیر و مناقب امام علی علیه السلام، به تقویت باورهای شیعی پرداختند و در حفظ انسجام جامعه شیعه در برابر انحرافات کوشیدند.

یکی از چهره‌های برجسته در این زمینه، حبابه والیه بود که برای شناساندن جایگاه امام علیه السلام به جامعه تلاش بسیاری کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۵۲/۲). حضور فعال بانوانی چون حبابه و نقل روایات و فضایل اهل بیت علیهم السلام توسط آن‌ها در مجالس علمی و اجتماعی (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۶/۳۷۲)، فرصتی برای تبیین جایگاه امامت و استمرار گفتمان ولایت در جامعه شیعه بود.

در یکی از روایات برجسته‌ای که از فاطمه بنت الرضا علیها السلام نقل شده، زنجیره‌ای از بانوان فرزانه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به چشم می‌خورد: از فاطمه بنت الکاظم علیها السلام، فاطمه بنت الصادق علیها السلام، فاطمه بنت الباقر علیها السلام، فاطمه بنت السجاد علیها السلام، فاطمه بنت الحسین علیها السلام، ام کلثوم و در نهایت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله.

روایت چنین است: «آیا فراموش کرده‌اید سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را در روز غدیر خم که فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَى مَوْلَاهُ؛ هر که من مولای اویم، علی مولای اوست؟ و نیز فرمودند به علی علیه السلام: أَنْتَ مَتَى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛ تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی هستی؟» (بحرانی اصفهانی، بی تا، ۲۱/۲۲۵؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۱۲/۳۳۴).

این روایت نه تنها از نظر محتوایی اهمیت دارد، بلکه از حیث ساختار سند نیز قابل تأمل است. حضور متوالی بانوانی با نام «فاطمه» در سند روایت، نشان‌دهنده نقش فعال و محوری زنان در حفظ و انتقال معارف دینی و به‌ویژه گفتمان ولایت است.

این بانوان، حلقه‌های وصل در زنجیره حدیثی‌اند که نشان می‌دهد زنان نه تنها ناقلان حدیث بوده‌اند، بلکه نگهبانان آگاه و مؤثر ولایت نیز محسوب می‌شده‌اند.

در همین راستا ام‌احمد نیز نمونه‌ای روشن از نقش‌آفرینی بانوان در عصر امام رضا (علیه السلام) ارائه می‌دهد. او با فعالیت‌هایی چون تشخیص امام زمان خویش، بیعت با ایشان، گواهی دادن و اطلاع‌رسانی در جامعه، در تثبیت و ترویج گفتمان ولایت نقش مؤثری ایفا کرده است. این اقدامات در حوزه عمومی و در حیاتی‌ترین مسائل امت اسلامی، یعنی بیعت با امام و حفظ مکتب و آگاهی‌رساندن به دیگران تجلی یافته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۸/۳۰۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۹۳).

بنابراین شواهد تاریخی و حدیثی نشان می‌دهند که بانوان شیعه در عصر امام رضا (علیه السلام)، نه تنها در عرصه‌های فردی و خانوادگی، بلکه در ساختارهای معرفتی و اجتماعی نیز نقش‌آفرین بوده‌اند. آنان با حضور در زنجیره‌های سندی، مشارکت در بیعت و فعالیت‌های اجتماعی به عنوان حافظان و مروجان ولایت شناخته می‌شوند.

۸. مهاجرت‌های هدفمند بانوان شیعه به قم در عصر امام رضا (علیه السلام)

در دوران خلافت عباسی به‌ویژه پس از تحمیل ولایت‌عهدی به امام رضا (علیه السلام)، فشارهای سیاسی و امنیتی بر خاندان امامت به‌طرز چشمگیری افزایش یافت (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۷۲/۲). این شرایط زمینه‌ساز مهاجرت‌های گسترده سادات به مناطق دور از مرکز خلافت از جمله شهر قم گردید (بحرانی اصفهانی، بی‌تا، ۲۱/۳۳۰).

قم به دلیل گرایش‌های ریشه‌دار شیعی، موقعیت جغرافیایی نسبتاً امن و ساختار اجتماعی پذیرنده به یکی از مقاصد اصلی این مهاجرت‌ها تبدیل شد (قمی، ۱۴۱۴ق، ۷/۱۳۵). حضور بانوان سادات در این مهاجرت‌ها، افزون بر جنبه‌های حفاظتی دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی و مذهبی قابل توجهی بود.



این روند مهاجرتی را می‌توان در چارچوب سیاست‌های راهبردی اهل بیت علیهم‌السلام برای حفظ کیان تشیع و انتقال پایگاه‌های فکری و اعتقادی به مناطق امن‌تر تحلیل کرد. مهاجرت هدفمند به قم، نه تنها به منظور حفظ جان سادات صورت گرفت، بلکه بستری برای ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام و تقویت شبکه‌های علمی و فرهنگی شیعه فراهم ساخت.

بانوان شیعی در عصر امام رضا علیه‌السلام، در هر نقطه‌ای از سرزمین‌های اسلامی که حضور داشتند، در قالب شبکه‌هایی از ارتباطات علمی، فرهنگی و اجتماعی به دفاع از ولایت و نشر آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام می‌پرداختند.

نمونه بارز این نقش‌آفرینی، حضور حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام در قم است که با ورود ایشان، این شهر به پایگاهی برای فعالیت‌های علمی و مذهبی شیعیان، اعم از زنان و مردان تبدیل شد. در منابع روایی آمده است: «... خادم او را به قم آورد و در سرای موسی بن خزر بن سعد اشعری فرود آورد... چون خبر به آل سعد رسید، همه اتفاق کردند که قصد سستی فاطمه کنند... موسی بن خزر تنها در آن شب بیرون آمد و چون به شرف ملازمت سستی فاطمه رسید، زمام ناقه او را گرفت و به جانب شهر کشید و در سرای خود او را فرود آورد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۷/ ۲۱۹؛ قمی، ۱۴۱۴، ۷/ ۱۲۵).

این گزارش تاریخی نشان می‌دهد که ورود حضرت معصومه علیها‌السلام به قم، با استقبال شیعیان همراه بود. اگرچه ایشان تنها حدود هفده روز در این شهر اقامت داشتند، اما حضور کوتاه مدت ایشان تأثیر عمیقی بر جایگاه قم در منظومه تشیع بر جای گذاشت. پس از وفات ایشان، قم یکی از مراکز اصلی تشیع شد و نقش آن در تحولات مذهبی و فرهنگی شیعه پررنگ‌تر گردید (منتجب‌الدین علی بن بابویه الرازی، ۱۴۲۲، ۳۸۲).

در پی شهادت حضرت معصومه علیها‌السلام، گروهی از بانوان سادات به قم مهاجرت کردند و در جوار مرقد ایشان مدفون شدند. از جمله این بانوان می‌توان به زینب و ام‌محمد،

دختران امام جواد (ع) و میمونه، دختر امام کاظم (ع) اشاره کرد (قمی، ۱۳۸۵، ۷۱۲). دفن این بانوان در قم، به تدریج بر قداست و جایگاه مذهبی این شهر افزود و آن را به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و معنوی شیعه تبدیل کرد.

نتایج

- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عصر امام رضا (ع) با وجود محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی به دوره‌ای از شکوفایی و نقش‌آفرینی بانوان شیعی تبدیل شد. سیره آن حضرت در تعامل با بانوان، الگویی مرقی و کارآمد است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان در شرایط دشوار سیاسی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های همه‌اقتشار جامعه، به پویایی و بالندگی فرهنگی دست یافت. این الگو نه تنها به ارتقای جایگاه بانوان در جامعه شیعی کمک کرد، بلکه مسیر تثبیت هویت دینی را نیز هموار ساخت.

- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بانوان شیعی در عرصه‌هایی چون تعلیم و تربیت، انتقال میراث حدیثی، سازماندهی پایگاه‌های مردمی و مهاجرت‌های هدفمند نقش‌آفرینی مؤثری داشتند. این فعالیت‌ها نه تنها در پویایی جامعه شیعی اثرگذار بود، بلکه در بازتولید و تثبیت هویت شیعه در یکی از حساس‌ترین ادوار تاریخی نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد؛ به این ترتیب بانوان توانستند در کنار مردان، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را تقویت کنند و به استمرار جریان فکری شیعه یاری رسانند.

- علاوه بر این شبکه‌های غیررسمی بانوان شیعی در مراکزی مانند مدینه و خراسان نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. این شبکه‌ها در دفاع از امامت و نشر معارف رضوی نقش چشمگیری ایفا کرده و توانستند با ایجاد ارتباطات گسترده، زمینه انتقال اندیشه‌های شیعی را فراهم سازند. بانوان در این شبکه‌ها نه ناقلان منفعل حدیث، بلکه حلقه‌های

واسط معتبر در زنجیره انتقال میراث حدیثی بودند که در حفظ اصالت و استمرار معارف شیعی نقشی بنیادین داشتند.

- برآیند این شواهد نشان می‌دهد که بانوان شیعی در عصر امام رضا علیه السلام، سازندگان شبکه‌های تأثیرگذار اجتماعی و فرهنگی بودند. آنان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و اجتماعی خود توانستند جامعه شیعی را در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی حفظ کرده و مسیر پویایی و بالندگی آن را هموار سازند. این دستاورد، فرضیه اصلی تحقیق را تأیید می‌کند که بانوان در آن عصر، عاملان فعال و اثرگذار در تاریخ و فرهنگ شیعی بوده‌اند.

منابع

* قرآن کریم

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد حسن، **الذريعة إلى تصانيف الشيعة**، ج ۱۳، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. اسکافی، محمد بن همام، **منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام**، قم، نشر دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **علل الشرايع**، قم، نشر داوری، ۱۳۸۵ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا يحضره الفقيه**، غفاری، علی اکبر، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون اخبار الرضا علیهم السلام**، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۶. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، ج ۷، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۵ش.
۷. ابن طقطقی، محمد بن علی، **تاریخ فخری**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ش.
۸. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، **تذکرة الخواص**، ج ۸، قم، نشر الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم**، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، **تاریخ ابن خلدون**، ج ۳، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **تهذیب التهذیب**، ج ۷، بیروت، دارالصادر، ۱۳۲۵ق.
۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل أبی طالب علیهم السلام**، ج ۴، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ش.

۱۳. ابن مسكويه، محمد بن احمد، **تجارب الأمم و تعاقب الهمم**، ج ۳، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.

۱۴. اربلي، علي بن موسى، **كشف الغمه في معرفه الاثمه**، ج ۳، تبريز، نشر بني هاشمي، ۱۳۸۱ش.

۱۵. احمدى ميانجى، على، **مكاتب الاثمه**، ج ۵، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶ق.

۱۶. اصفهاني، ابوالفرج، **مقاتل الطالبين**، فاضل، جواد، ج ۲، تهران، نشر علمي، ۱۳۳۹ق.

۱۷. امين، محسن، **ايعان الشيعة**، ج ۸، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

۱۸. بروجردي، آقا حسين، **جامع أحاديث الشيعة**، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.

۱۹. بحراني، سيد هاشم، **حلية الأبرار في أحوال محمّد وآله الأطهار**، قم، مؤسسه آل البيت، بی تا.

۲۰. بحراني اصفهاني، عبد الله بن نور الله، **عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال**، ج ۲۲، قم، مؤسسه الإمام المهدي، بی تا.

۲۱. بخشيان، محمد حسين، «حرکت تبليغي حضرت معصومه عليها السلام از مدينه تا قم»، **ماهنامه مبلغان**، ش ۲۹۴، ۱۴۰۲ش، صص ۲۲-۱۷.

۲۲. بيضاوي، عبدالله بن عمر، **نظام التواريخ**، ج ۱، تهران، بنياد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۲ش.

۲۳. جزائري، نعمت الله بن عبد الله، **رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار**، ج ۲، بيروت، مؤسسه التاريخ العربي، ۱۴۲۷ق.

۲۴. جعفریان، رسول، **حيات فکری و سياسی امامان شيعه**، قم، مؤسسه انصاريان، ۱۳۸۱ش.

۲۵. جعفریان، رسول، **تاريخ تشيع در ايران**، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷ش.

۲۶. حسون، محمد، **أعلام النساء المؤمنات**، تهران، اسوه، ۱۴۲۱ق.

۲۷. خویی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة**، ج ۱۶، بی تا، بی نا، ۱۴۰۹ق.
۲۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، عطا، مصطفی عبدالقادر، ج ۱۴، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق.
۲۹. درخشه، جلال، حسینی فائق، محمد مهدی، «موضع امام رضا علیه السلام در قبال حرکت های سیاسی علویان در زمان عباسی»، **فرهنگ رضوی**، ش ۴، ۱۳۹۲ش، صص ۵۷-۲۶.
۳۰. دینوری، احمد بن داود، **الأخبار الطوال**، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۳ش.
۳۱. ذهبی، محمد بن احمد، **تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام**، تدمری، عمر عبدالسلام، ج ۱۴، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
۳۲. روزگار، آمنه، «نقش سیاسی زنان در عصر عباسی»، **پارسه**، ش ۱۱، ۱۳۸۶، صص ۱۰۳-۸۳.
۳۳. زرکلی، خیرالدین، **الأعلام**، ج ۲، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م.
۳۴. سامانی، سید محمود، **نقش زنان در تاریخ اسلام**، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۰ش.
۳۵. شوشتری، محمد تقی، **قاموس الرجال**، ج ۱۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۶. صالحی، نجمه، اسد بیگی، مهسا، «نقش بانوان شیعه عصر امام صادق علیه السلام در بسط جریان تشیع»، **سخن تاریخ**، ش ۳۰، ۱۳۹۸ش، صص ۱۲۸-۱۱۱.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الامم و الملوك**، ج ۸، بیروت، روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ش.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۳۹. عطاردی قوچانی، عزیز الله، **اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام**، تهران، صدر، ۱۳۹۷ش.
۴۰. غلامی فیروز جانی، علی و قاسمی، نازنین، «کارکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان دربار عباسی»، **نشریه زن و فرهنگ**، ش ۴۷، فروردین ۱۴۰۰ش، صص ۸۳-۹۳.

۴۱. فقه منسوب به امام هشتم، ج ۶، مشهد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۶ق.

۴۲. قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۷، قم، نشر اسوه، ۱۴۱۴ق.

۴۳. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۵ش.

۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، غفاری، علی اکبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۴۵. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة، ج ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه، بی تا.

۴۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۳ق.

۴۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۴۸. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۳، قم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.

۴۹. منتجب الدین علی بن بابویه الرازی، علی بن عبیدالله، الفهرست (لرازی)، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۲۲ق.

۵۰. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.

۵۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، شبیری زنجانی، موسی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.

۵۲. ولوی، علی محمد، کاردان، سیده گلنوش، «سنخ شناسی عملکرد سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی (۱۳۲- ۶۵۶ ه.ق)»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۱۲۶، ۱۳۹۶ش، صص ۱۳۵-۱۵۹.

۵۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت، دارالصادر، ۱۳۷۱ق.